

سخنرانی شهردار تهران در آخرین کارگاه معرفی نتایج نهائی طرح جامع تهران



قالیباف:

## دوران برنامه ریزی متمرکز، آمرانه و خطی سپری شده است

شهردار تهران، جناب آقای دکتر محمد قالیباف از مدعوین چهارمین و آخرین کارگاه معرفی نتایج طرح جامع تهران بود. این کارگاه به ارائه نتایج طرح جامع تهران و اسناد راهبردی و کالبدی آن اختصاص داشت. سخنان آقای شهردار در خاتمه این کارگاه دو بخش داشت. بخش اول را ایشان به عنوان شهردار تهران صحبت کرد و اظهار داشت که از این طرح کاملاً حمایت و پشتیبانی می‌کند و آن را لازمه توسعه و هدایت پایدار شهر می‌داند. در بخش دوم سخنان ایشان که از جایگاه یک شهروند متخصص عنوان شد، نکات مهم و کلیدی را ارائه نمود که نظر به اهمیت آن، عین مطالب ایشان درج می‌شود.

!

کرد. پس تداوم حیات و عملکرد کلان شهرهای ملی به تبدیل شدن آنها به شهرهای جهانی و توانمندی آنها در ایفای نقش موثر در محیط رقابتی جهانی است.

۲ کاربران شهرها (اعم از شهروندان و کلیه ذی نفعان شهر) بیش از پیش به حقوق، منافع و مسئولیت‌های خود پی برده‌اند و با مشارکت جویی و تصریح انتظارات خویش، نقش تعیین کننده‌ای در هدایت و توسعه شهرها یافته‌اند.

۳ به تدریج این مطلب مهم درک و دریافت شده است که معضلات کنونی شهرها، میراث الگوهای اقتباسی نامتناسب و روندهای

۱ شهرها، به ویژه کلان شهرها و به خصوص کلانشهر - پایتخت هایی مانند تهران، موجودیتی پیچیده و پویا دارند که تحت عوامل و شرایط محیط رقابتی شکل می‌گیرند و از درون و برون (عوامل محیط ملی و فراملی) متاثر می‌شوند. اینگونه شهرها به دلیل آنکه مرکز تجمع قدرت، ثروت، جمعیت، و ارگان‌های متنوع با عملکردهای مختلف هستند بیش از پیش مورد توجه واقع شده‌اند و برنامه‌های ۲۰۲۰ و قرن ۲۱ در مورد کلان شهرهای جهان گویای آن است که کلان شهرها به واحدهایی تعیین کننده در نظام ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تبدیل شده‌اند و واحدهای ملی به جد این ضرورت را دریافته‌اند که باید این شهرها را برای رقابت در پارادایم جهانی شدن، به طور گسترده تجهیز، صیانت، و تدارک



۶ ■ پایداری کالبدی و کارکردی شهر (اعتلای کیفیت محیط، عملکرد سیستم‌ها، رفاه، عدالت، عملکرد روانی شهر)  
 ■ پایداری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی که در نتیجه ارکان مذکور می‌توان «پایداری و بهبود مستمر کیفیت زندگی شهروندان و بقا و بالندگی شهر» را انتظار داشت.

۶ ■ امروزه درک و دریافت شده است که ادعای جامعیت (که مدعای طرح‌های جامع است!) و خلاصه کردن هدایت شهر در الگوهای منطقه بندی و تعیین کاربری اراضی، و اتکاء به ضابطه گذاری و بخشنامه نویسی برای کنترل تحولات شهر (ولو تحولات کالبدی)، اندیشه‌ای خام و منسوخ است که ناکامی و ناکارآمدی آن در دنیا به اثبات رسیده است.

۷ ■ مگر می‌توان به اتکاء برداشت اطلاعات از شهر و یک سری دقت‌های هندسی و ویرایش‌های زیبایی شناسانه و جداول سهم بندی و تعیین سرانه و در نهایت تولید نقشه و ضوابط، حال و آینده یک شهر بزرگ را بسته بندی و تعیین تکلیف کرد؟

۸ ■ مگر می‌توان بدون تعبیه پاسخ در خور و منعطف به تغییرات

هدایت نشده و نظامات جزیره‌ای و غیریکپارچه و فقدان آینده پژوهی، و فقدان آرمان (چشم انداز قوی و درونی شده) و اسطوره است.

۴ ■ تدبیر کنندگان امر هدایت و توسعه شهرها به این نتیجه رسیده‌اند که شهرسازی موضوعی چند دیسپلینه و فرارشته‌ای است و نباید در انحصار مهندسان عمران و حتی شهرسازی و طراحی شهری قرار گیرد چرا که توسعه پایدار شهری به همه وجوه حیات جمعی شهروندان و شهر ارتباط وثیق و عمیق دارد.

۵ ■ امروزه توسعه پایدار شهری که متأخرترین نظریه در باب توسعه شهری است بر ارکان زیر استوار شده است:

- برنامه ریزی و مدیریت یکپارچه و پایدار شهری
- پایداری و بالندگی اقتصاد شهری
- کارآمدی و بهره وری کلیه ظرفیت‌های شهری
- پایداری هویت و انسجام فرهنگی - اجتماعی جامعه شهروندی
- پایداری محیط و منابع زیستی و ارزش‌های طبیعی شهر و پیرامون



امروزه درک و دریافت شده است که ادعای جامعیت (که مدعای طرحهای جامع است!) و خلاصه کردن هدایت شهر در الگوهای منطقه بندی و تعیین کاربری اراضی، و اتکاء به ضابطه گذاری و بخشنامه نویسی برای کنترل تحولات شهر (ولو تحولات کالبدی)، اندیشه ای خام و منسوخ است که ناکامی و ناکارآمدی آن در دنیا به اثبات رسیده است.

**۱۵** آیا نیاز تهران این است و ظرفیت مشاوره‌ای و مطالعاتی کشور و حتی تهران همین قدر است؟

بنده تاکنون همکاری و مدارا کرده‌ام چون چنین اندیشه‌ها و الگوها و قراردادهایی پیش از مسئولیت اینجانب شکل گرفته و نهایی شده بود و هرگونه مداخله معترضانه‌ای شاید به حساب کارشکنی و تلقی‌های سیاسی گذاشته می‌شد. اما اکنون که خود طراحان و متولیان و حامیان محترم طرح، آن را در معرض نقد و داوری عمومی قرار داده‌اند حداقل به عنوان یک شهروند به خود حق می‌دهم که نظراتم را عرض کنم چون موضوع بسیار بسیار مهمی است که در آینده نیز نمی‌توان از پیامدها و آثار آن خود را میرا دانست.

و پیشنهادم این است که:

**۱** حداقل از ناکامی‌های گذشته و تجارب و عبرت‌های دنیا درس بگیریم و بپذیریم که دوران برنامه ریزی متمرکز، آمرانه، و خطی، که الگوشهرسازی ضابطه‌ای است و محصولش یک طرح جامع، سپری شده است و نیازهای شهر و شهروندان را پاسخگو نیست. اگر اذعان کنیم که برنامه ریزی کالبدی بخشی از کل فرایند برنامه ریزی و توسعه شهری به حساب می‌آید، نباید بیش از این از تحولات نظریه‌های شهرسازی و تغییرات عمده در مفاهیم، اهداف، روش‌ها و ابزارهای دانش شهرسازی محروم بمانیم.

**۲** می‌توان آن بخش از دستاوردهای مطالعات مربوط به تهیه طرح جامع که قابل دفاع و اطمینان بخش هستند در مدل برنامه ریزی و مدیریت راهبردی وارد نموده و با توانمندی‌های این مدل و با پایه قرار دادن الگوی توسعه پایدار شهری، برنامه‌ای منعطف، رقابت کننده و مدیریت کننده تغییر، و متمرکز بر مسایل و انتظارات راهبردی تهیه کرده و برای هدایت و توسعه این شهر آن را به اجماع و توافق رسانید. ■

و تحولات فرا دستی، بدون لحاظ کردن مدیریت شهری به عنوان ارگان پیاده کننده طرح، و بدون ملاحظات و تنگناهای اجرا، و بدون ملاحظه تراز مالی و درآمدهای لازم برای نگهداری و خدمات شهر، ... برای یک دوره ۲۰ یا ۲۵ ساله (آن هم بدون آینده پژوهی متقن و بدون در نظر گرفتن میدان وسیع رقابت‌های درونی و بیرونی) وضعیت و موقعیت شهر و شهروندان و سیستم‌های شهری را تعیین کرد.

**۹** چه کسی می‌تواند ادعا کند که برای برنامه ریزی این شهر، رفتارهای آینده آن را به صورت یک سیستم پویا، مدل کرده است؟ و راهبردهایش را کشف کرده است نه وضع؟

**۱۰** چه کسی می‌تواند ادعا کند که تاثیرات شگرف پارادایم فن آوری اطلاعات و ارتباطات را بر شهر و سیستم‌های شهر و شهروندان احصاء و استنباط کرده است و سپس توانسته آن را در چارچوب شرح خدمات طرح جامع و تحت ضوابط مرسوم در آورد؟

**۱۱** چه کسی از شما ادعا دارد که علل و عوامل ناکامی طرح‌های جامع پیشین را به درستی استخراج کرده است و این طرح را از آن آسیب‌ها و علت‌ها مصون نموده است؟

**۱۲** در کدام سند از طرح‌های جامع به صورتی آینده پژوهانه به شناسایی دقیق چالش‌ها و مسایل حال و آینده تهران، و وزن دهی مقایسه‌ای و اولویت بندی آنها پرداخته شده است؟

**۱۳** در کجا دیده شده است که چشم انداز شهر و طرح‌های تفصیلی، همزمان با طرح جامع اصلی تهیه شود؟

**۱۴** با چه تمهیداتی می‌توان اغتشاش در ماهیت، روشها، اهداف، مفاهیم، محتوا و حتی عنوان گذاری‌ها را برطرف ساخت؟